

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲

صفحات: ۹۹-۱۱۹

امکان سنجی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در مقابله با تروریسم

مریم ولی زاده

گروه حقوق، واحد ملارد، دانشگاه آزاد اسلامی، ملارد، ایران.

یوسف الماسی*

گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران و مدرس دانشگاه (نویسنده مسئول)

فرهاد زرشکی

گروه حقوق، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

تروریسم از جمله جرائم بین‌المللی است که به عنوان پدیده‌ای نه چندان نو ظهور توانسته با بهره‌گیری از عامل ترس و حمله علیه جمعیت غیرنظامی نظم و امنیت بین‌المللی را بر هم بریزد. این امر ضرورت مقابله با آن را نشان می‌دهد. از جمله این اقدامات تدوین کنوانسیون رم توسط دولت‌ها به منظور مقابله با جرائم بین‌المللی و موارد فاحش نقض معاهدات مرتبط با حقوق بشردوستانه می‌باشد. بر این اساس این سوال مطرح است که آیا دیوان کیفری بین‌المللی در چارچوب اساسنامه خود، امکان رسیدگی به جرائم تروریستی را دارد؟ نگاهی به اعمال تروریستی انجام شده توسط گروه‌های تروریستی می‌تواند به ما لیستی از مصادیق اعمال تروریستی ارائه نماید که امکان تطبیق آن با جرائم داخل در صلاحیت دیوان وجود دارد و بر این اساس اگر چه جرم تروریسم در صلاحیت دیوان (ماده ۵) قرار ندارد اما در مقایسه با سایر جرائم مندرج در این ماده قابلیت پیگرد دارد. اما در خصوص صلاحیت سرزمینی، زمانی، شخصی و تکمیلی محدودیت‌هایی برای مقابله کیفری توسط دیوان کیفری بین‌المللی وجود دارد.

واژگان کلیدی: تروریسم، دیوان کیفری بین‌المللی، صلاحیت، مقابله با بی‌کیفرمانی.

مقدمه

هر پدیده جنایی با ایجاد ناامنی در جامعه، ترس را بر افراد مستولی کرده و امنیت فردی و اجتماعی را به خطر می‌اندازد. از این رو، نظام کیفری به عنوان مجموعه‌ای از نهادها و آیین‌های معقول جامعه، برای بیان واکنش علیه جرم و بزهکاری، مداخله می‌کند تا ضمن بازگشت امنیت از دست رفته و نظم از هم گسیخته اجتماع، آرامش خاطر را جایگزین ترس از جرم کند. (حبیب‌زاده و حکیمی‌ها، ۱۳۸۶: ۴۸)

تروریسم از جمله جرائم بین‌المللی است که به عنوان پدیده‌ای نه چندان نوظهور توانسته با بهره‌گیری از عامل ترس و حمله علیه جمعیت غیر نظامی نظم و امنیت بین‌المللی را بر هم بریزد. تلاش‌های بین‌المللی برای مقابله با تروریسم صورت گرفته که از جمله آن می‌توان به عملکرد شورای امنیت در این خصوص اشاره نمود.

در عصر جهانی شدن و فناوری پیشرفته، دیگر تروریسم در مرزهای ملی و بین‌المللی و منطقه‌ای محصور نمی‌ماند. تروریست‌ها همگام با روند جهانی شدن پیشرفت کرده‌اند، اما هرگز در قید و بندهای بین‌المللی ناشی از آن گرفتار نشده‌اند. از آنجا که تروریست‌ها به بازیگرانی در عرصه بین‌المللی مبدل شده‌اند، می‌توانند تقریباً هر جا که بخواهند اقدامات تروریستی خود را ساماندهی کرده و به اجرا گذارند. از این رو هیچ منطقه، دولت یا ملتی از اقدامات آن‌ها مصون نمی‌ماند. همچنین گروه‌های تروریستی با انگیزه‌های گوناگون دست به اعمال تروریستی می‌زنند و نگرانی از احتمال وقوع اینگونه عملیات زمانی بیشتر می‌شود که تروریست‌ها از تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک استفاده کنند (الکساندر^۱، ۲۰۰۱: ۲۱۹).

همچنین تروریسم می‌تواند تأثیر جدی نسبت به حقوق بشر بگذارد که ثمرات آن برای برخورداری از حق حیات، آزادی، و جامعیت فیزیکی قربانیان و خانواده‌های آن‌ها فاحش و خطرناک است. در جامعه‌ای که تحت «حاکمیت قانون» و ارزش‌های دموکراتیک قرار دارد قابل قبول نمی‌باشد که اقدامات تروریستی حقوق بشر را نادیده گرفته یا آن‌ها را خدشه‌دار نمایند. (گرچی، ۱۳۸۸، ۲۵۷)

در این میان نقش دولت‌ها نیز بسیار حائز اهمیت است. دولت‌ها مهمترین بازیگر در عرصه بین‌المللی و تابعان حقوق بین‌الملل هستند که امکان ایجاد نظم حقوقی در قالب تدوین قوانین از طریق انعقاد معاهدات مختلف را دارند. این معاهدات ضمن ایجاد تعهد برای اعضاء در روابط بین‌المللی خود، ساز و کاری را برای همکاری‌های بین‌المللی در موضوع مربوط به معاهده ایجاد می‌نماید. (سلطانی، ۱۴۰۰: ۷۳)

1. Alexsander.

_____ امکان سنجی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در مقابله با تروریسم ۵

از جمله این اقدامات تدوین کنوانسیون رم توسط دولت‌ها به منظور مقابله با جرائم بین‌المللی و موارد فاحش نقض معاهدات مرتبط با حقوق بشر دوستانه می‌باشد. ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی در این راستا نقطه امید برای تضمین اجرای حقوق بشر دوستانه و مقابله با بی‌کیفرمانی اما در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در در رسیدگی به جرائم بین‌المللی از جمله تروریسم بین‌الملل اتفاق نظری وجود نداشت.

اعمال تروریستی و حوادث روی داده از پس این اتفاق وحشتناک، نظام بین‌الملل را وارد چالش جدید و پرافت و خیز ناشی از آن نموده است. که در حال حاضر با شدت و حدت در حال گسترش بوده و سراسر جهان را دچار فتنه و فساد نموده است و موجب گردیده جامعه بین‌المللی اسناد متعددی را در مواجهه با آن‌ها به تصویب رساند. در چارچوب تصویب اساسنامه رم در سال ۱۹۹۸ و تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی، راهکارهایی برای مقابله با جرائم بین‌المللی مقرر گردید. در سال ۱۹۹۴، کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص پیش‌نویس دیوان کیفری بین‌المللی، پیشنهادی مبنی بر درج یک طبقه جرائم معاهداتی دیگر از جرائم در چارچوب صلاحیت قضایی دیوان از جمله تروریسم، قاچاق مواد، آپارتاید و تخلف فاحش و شدید از کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو را ارائه کرد. (حاجیلویی، ۱۳۹۵: ۲)

بر این اساس به بررسی این امر می‌پردازیم که آیا دیوان کیفری بین‌المللی امکان پیگرد قضایی گروه‌های تروریستی را دارد؟ برای این منظور اعمال سه گروه معروف تروریستی داعش، القاعده و بوکوحرام را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ادبیات تحقیق

در بررسی ادبیات تحقیق به مطالعه دو واژه مهم در این پژوهش یعنی «تروریسم» و «دیوان بین‌المللی کیفری» می‌پردازیم.

۱. تروریسم

تروریسم از جمله پدیده‌هایی است که در میان دولت‌ها اتفاق نظری برای تعریف آن وجود ندارد، اما در دکتترین می‌توان تعاریفی پیدا نمود که ساختار و ماهیت و تروریسم را تبیین می‌نماید که در ادامه به توصیف آن خواهیم پرداخت.

برخی برای تعریف این اصطلاح نگرش و رویکردی مادی در نظر گرفته‌اند و از این منظر، مبنای تعریف خود را بر رفتار و اعمال مجرمانه بنا نهادند. براساس این تعاریف، تروریسم به معنی عمل یا مجموعه اعمال مشخصی است که برای رسیدن به هدفی معین صورت می‌گیرد.

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —
(موریس^۱، ۱۹۸۷: ۲۷)

در خصوص رویکرد کیفی در تعریف تروریسم بروس پالمر معتقد است در صورتی که بتوان مصادیق جرائم تروریستی را بطور دقیق مشخص نمود و بدون تفاوت قائل شدن میان مرتکبین اینگونه جرائم (افراد عادی - اعضاء گروهک های سیاسی - دولتمردان) به تعریف دقیق آنها پرداخت، پدیده تروریسم قابل تعریف خواهد بود. (محمدی، ۱۳۹۰: ۹)

برخی براساس برداشتی که از مفهوم تروریسم قابل درک است به تعریف تروریسم پرداخته‌اند بر این اساس آن را «استفاده غیرمجاز از زور علیه اشخاص و اموال، تا دولت، شهروندان یا هدف دیگری را به منظور پیشبرد هدف خاصی مورد تهدید یا اجبار قرار دهند.» (گوهری مقدم، ۱۳۸۶: ۹۲)

نوام چامسکی نیز در تعریف خود از تروریسم آن را «کاربرد خشونت یا تهدید به اعمال خشونت برای دستیابی به اهدافی که طبیعت سیاسی، مذهبی یا عقیدتی دارند. این امر از طریق اعمال زور یا ایجاد ترس و وحشت انجام می‌گیرد و بیشتر غیر نظامیان را هدف قرار می‌دهد.» (چامسکی، ۱۳۸۳، ۵)

۲. صلاحیت دیوان کیفری بین المللی

منظور از صلاحیت، قابلیت دادگاه جهت رسیدگی به دعاوی مختلف از لحاظ عناصر زمانی مکانی نوع جرایم ارتكابی، وضعیت مرتکبان آنها و نظایر آنها است. (کشکولی و مرادی، ۱۳۹۵: ۲) صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، صلاحیت تکمیلی است بر این اساس ماده (۱) اساسنامه دیوان مقرر می‌دارد: «به موجب این سند دیوان کیفری بین‌المللی تاسیس می‌شود که ... مکمل صلاحیت‌های کیفری ملی است...»

همچنین اختیارات دیوان در رسیدگی به جرائم محدود است به چهار جرم خاص مندرج در اساسنامه که مطابق بند (۱) ماده (۵) اساسنامه دیوان «صلاحیت دیوان محدود به شدیدترین جنایت‌های مورد دغدغه مجموعه جامعه بین‌المللی خواهد بود. دیوان به موجب این اساسنامه در رابطه با جنایت‌های زیر صلاحیت رسیدگی خواهد داشت. الف) جنایت ژنوساید ب) جنایت علیه بشریت ج) جنایت‌های جنگی د) جنایت تجاوز ارضی»

از حیث صلاحیت زمانی مطابق ماده (۱۱) اساسنامه دیوان «دیوان تنها نسبت به جرائمی صلاحیت دارد که بعد از لازم‌الاجرا شدن این اساسنامه ارتکاب یافته است.» لازم به ذکر است که اساسنامه رم در سال ۱۹۹۸ تصویب و در ژوئیه (جولای) سال ۲۰۰۰ لازم‌الاجرا شد.

1. Morris.

_____ امکان سنجی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در مقابله با تروریسم ۵
در خصوص اعمال صلاحیت نیز دیوان مطابق ماده (۱۳) اساسنامه «می‌تواند صلاحیت خود را نسبت به جنایت‌های مذکور در ماده (۵) براساس مقررات این اساسنامه اعمال نماید، در صورتی که:

الف) وضعیتی که به نظر می‌رسد یک یا چند جنایت در آن ارتکاب یافته است، براساس ماده (۱۴) توسط یک دولت عضو به دادستان ارجاع شود.

ب) وضعیتی که به نظر می‌رسد یک یا چند جنایت در آن ارتکاب یافته است، براساس فصل (۷) منشور ملل متحد از طریق شورای امنیت به دادستان ارجاع شود.

ج) دادستان راسا تحقیقاتی را براساس ماده (۱۵) در مورد چنین جنایتی آغاز کرده باشد.

پیشینه تحقیق

در خصوص صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی برای مقابله با جرائم بین‌المللی تحقیقاتی صورت گرفته است که ذیلاً به آن‌ها اشاره می‌گردد.

۱- دلماس مارتی می‌ری (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «**دیوان بین‌المللی کیفری و میان‌کنش‌های حقوق داخلی و بین‌المللی**» به این امر می‌پردازد که نگارندگان کنوانسیون رم با طرح اصل تکمیلی بودن صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری در ماده یک کنوانسیون نامبرده، به نظر می‌رسد، پیش از هر چیز دغدغه حفظ صلاحیت دادگاه‌های ملی کیفری و محدود کردن صلاحیت دیوان را داشته‌اند. با این حال، تکمیلی بودن صلاحیت دیوان نه به معنای استقلال مطلق هر یک از حوزه‌های ملی و بین‌المللی عدالت کیفری، و نه وابستگی تنگاتنگ آن‌هاست؛ فرضیه پیشنهادی عبارت است از پیدایش مفهومی که از تناوب دو مفهوم یگانگی / دوگانگی فراتر رفته و به سلسله مراتب میان هنجارها کارکردی میان‌کنشی می‌دهد. این امر نظم حقوقی را به دنبال دارد که می‌توان آن را نظمی کثرت‌گرا نامید. در واقع، به نظر می‌رسد که هیچ یک از دو نظم حقوقی یگانه یا دوگانه، عناصر کنونی مربوط به حوزه عدالت کیفری بین‌المللی را در بر نمی‌گیرد. یگانگی حقوق ملی و حقوق بین‌المللی، همان طوری که ویژگی فرعی بودن صلاحیت دیوان حاکی از آن است، هنوز رویایی دست نیافتنی است. علاوه بر این، دیوان از این جهت، در مقایسه با دادگاه‌های بین‌المللی کیفری (یوگسلاوی سابق و رواندا) دچار عقب‌نشینی شده است. در مورد نظم حقوقی دوگانه نیز باید گفت اینکه این نظم به طور ضمنی در اصل تکمیلی بودن صلاحیت دیوان مندرج است، یک تصور نادرست است چرا که مطابق چنین تصویری میان جرایمی که در دادگاه‌های ملی یا در دیوان بین‌المللی کیفری به مورد قضاوت گذاشته می‌شود فرق اساسی وجود دارد؛ زیرا نظم حقوقی دوگانه نه مستلزم برتری

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —

دادن حقوق بین‌الملل کیفری بر حقوق داخلی است و نه رابطه میان کنش‌های روزافزون آن‌ها به گونه‌ای است که قضات کیفری ملی جایگاهی جهانی پیدا کنند. بدین خاطر است که فرضیه اینجانب بر پیدایش مفهوم سومی مبتنی است که از تناوب یگانگی / دوگانگی فراتر رفته و رابطه میان کنشی را جایگزین رابطه سلسله - مراتبی قواعد می‌سازد؛ این همان چیزی است که نظم حقوقی کثرت‌گرا (پلورالیست) را تشکیل می‌دهد. رابطه یاد شده را می‌توان، نخست، با مراجعه به مفاهیمی از حقوق موضوعه که در بردارنده رویه‌های میان‌کنشی است، تبیین کرد. با این حال بررسی این رویه‌ها ما را به تاملی بیشتر نظری، در مورد فرآیندهایی که این میان‌کنش را ممکن می‌سازد، فرا می‌خواند.

۲- کشکولی، خداداد و مرادی، مریم (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «**صلاحیت‌های دیوان**

کیفری بین‌المللی» به این امر پرداخته است که بررسی صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی از این جهت که نه برای مدت زمان محدود و نه به طور موردی برای رسیدگی به وضعیت خاص آن‌گونه که در دیوان‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا مشاهده می‌شد و نه از سوی پیروزشدگان در جنگ علیه دول شکست خورده (آن‌گونه که در دیوان‌های کیفری نورنبرگ مشاهده می‌شود) بلکه بطور نامحدودی و با صلاحیت عام به وجود آمده است، که حتی علیه طراحان اساسنامه دادگاه و به وجود آورندگانش نیز می‌تواند اعمال صلاحیت نماید، از اهمیت خاص برخوردار می‌باشد. اساساً دادگاه بین دو مفهوم قابلیت‌پذیری و صلاحیت تفاوت گذاشته است منظور از صلاحیت، قابلیت دادگاه جهت رسیدگی به دعاوی مختلف از لحاظ عناصر زمانی مکانی نوع جرایم ارتكابی، وضعیت مرتکبان آن‌ها و نظایر آن‌ها است در حالی که منظور از قابلیت پذیرش پاسخگویی به این سوال است که در صورت وجود آن صلاحیت‌ها و پس از احراز آن‌ها دادگاه کیفری بین‌المللی با چه شرایط و در چه مواردی حق دخالت دارد.

۳- کریمی، سحر (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «**روند تصویب دیوان کیفری**

بین‌المللی و بررسی صلاحیت‌های آن» به بررسی روند تصویب دیوان و تبیین صلاحیت‌های آن می‌پردازد. چرا که وقوع جرائم در صحنه بین‌المللی حادثه نوپایی به شمار نمی‌رود و انسان و جامعه بین‌المللی در هر زمانی به اقتضاء توان نسبت به جنایات بین‌المللی واکنش نشان داده است. قرن گذشته را در حالی بدرقه می‌کنیم که وجه غالب روابط بین‌الملل، روابط مبتنی بر سلطه، جنگ و بحران بوده است و علیرغم تلاش جامعه بشری در برقراری صلح و امنیت، اغلب شاهد غلبه اراده سیاسی بر قواعد و مقررات حقوقی بوده‌ایم. با این وجود نباید از نظر دور داشت که سیر تحولات روابط بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم به سوی حاکمیت قانون پیش رفته و قواعد حقوق بین‌الملل بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته‌اند، براساس چنین

_____ امکان سنجی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در مقابله با تروریسم ۵

تفکری است که جامعه جهانی در اواخر قرن ۲۰ م پایه‌های نهادی مستقل را برای اقامه عدل در جهان بنیان نهاد و اساسنامه دیوان را به عنوان میراثی نیکو به نسل‌های آینده بشری اهداء نمود. اما آنچه در این پژوهش از اهمیت اساسی برخوردار است روند تصویب دیوان کیفری بین‌المللی و تبیین صلاحیت‌های دیوان می‌باشد.

۴- سلیمی ترکمانی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «**تروریسم و نظام عدالت کیفری: دیوان کیفری بین‌المللی یا دادگاه مختلط؟**» به این موضوع پرداخته است که در فرآیند مبارزه با تروریسم، کارکرد دو نوع محکمه کیفری بین‌المللی قابل بررسی است. اگر دیوان کیفری بین‌المللی در آینده بتواند واجد صلاحیت رسیدگی به تروریسم باشد، در آن صورت علیرغم رعایت اصل حاکمیت دولت‌ها در پرتو اصل صلاحیت تکمیلی و تثبیت برخورد کیفری نهادینه با تروریسم، مسائلی نظیر آستانه بالا برای اعمال صلاحیت و عدم همکاری احتمالی کشورهای غیر عضو می‌تواند مشکل‌ساز باشد. در صورتی هم که دادگاه مختلط نظیر شعبه ویژه لبنان برای برخورد کیفری با تروریسم ایجاد شود، علیرغم توسعه مشارکت محلی و ارتقاء ظرفیت و توانائی نظام قضائی ملی، مواردی همچون تعدد مراجع قضائی می‌تواند مطرح باشد. هر دو نوع محکمه با کاستی‌هایی مواجهند که در مواردی می‌تواند منجر به عدم موفقیت در فرآیند مبارزه با بی‌کیفری در حوزه تروریسم شود. به منظور پرکردن خلاءهای احتمالی موجود، مطلوب است که بین آن‌ها هم‌زیستی، تعامل و همکاری وجود داشته باشد.

یافته‌های پژوهش

۱. جرم تروریسم داخل در صلاحیت دیوان

طی مطالعه‌ای در سال ۱۹۸۸، ثابت شد یکصد و نه تعریف رسمی و آکادمیک از تروریسم وجود دارد. (فردریچ، ۲۰۰۶: ۴۲۰) بااین حال هیچ توافقی میان دولت‌ها در ارائه یک تعریف فراگیر و عام از تروریسم وجود ندارد. نگاهی به مذاکرات اولیه برای تدوین اساسنامه، ماهیت این عدم توافق را بهتر نشان می‌دهد.

در اجلاس دوم ژوئیه ۱۹۹۸ کنفرانس رم جنایات مندرج در معاهدات بین‌المللی به منظور گنجاندن در اساسنامه دیوان مورد بررسی قرار گرفت. در بین جرائم معاهداتی، جرم تروریسم، قاچاق مواد مخدر و جرائم علیه افراد مورد حمایت بین‌المللی مزدورگیری بیش از همه مورد بحث قرار داشتند. (هگنز و فلوری^۱، ۱۹۹۷: ۳۲)

1. Friedrichs.

1. Higgins & Flory.

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —
مع الوصف به خاطر اینکه در صحنه بین‌المللی یک تعریف مورد قبول همگانی برای تروریسم پیدا نشده و با اینکه مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۷ کنوانسیون سرکوب بمب‌گذاری تروریستی را پذیرفته بود این تلاش با ناکامی مواجه شد. وانگهی این نگرانی وجود داشت که قید چنین جرمی اساسنامه دیوان را درگیر اختلافات سیاسی کند که بدون شک به اعتبار دیوان لطمه می‌زد.

از بعد حقوقی مدافعان اصلی تاسیس دیوان استدلال می‌کردند که می‌خواهند جرائمی را در صلاحیت دیوان قرار دهند که در حقوق بین‌الملل عرفی پذیرفته شده‌اند و حال آنکه ادعای اینکه تروریسم یکی از جنایات عرفی می‌باشد از پذیرش واقعی برخوردار نبود به ویژه با اختلاف نظرهای شدیدی که نسبت به مصادیق آن ابهاماتی که در تفسیر جنایت علیه بشریت وجود داشته و خواهد داشت. (دیپیم، ۱۳۸۴: ۹)

واقعیت آن است که بیشترین علت عدم اجماع در تعریف تروریسم، در ملاحظات سیاسی نهفته بود. زیرا نهضت‌های آزادی‌بخش که مورد حمایت کشورهای در حال توسعه بودند به دلیل ماهیت مبارزاتشان توسط کشورهای توسعه یافته متهم به تروریسم می‌شدند، درست برخلاف دیدگاه کشورهای در حال توسعه.

عامل اصلی در عدم اجماع در ارائه تعریف مشخص از تروریسم استفاده از این اصطلاح برای اهداف سیاسی است. اگرچه در محافل آکادمیک تعریف‌هایی در این باره ارائه شده اما در اسناد بین‌المللی شاهد ارائه تعریفی واضح و مشخص از این پدیده نیستیم. (گیل و کورنر^۲، ۲۰۱۷: ۳)
با این وصف آتونو کاسسه معتقد است «نبود یک تعریف کلی از تروریسم که مورد قبول جهانیان باشد به این معنا نیست که حقوق بین‌الملل بصورتی که امروزه اقامه می‌شود، از تروریسم پیشگیری نمی‌کند، این تنها به آن معناست که دولت‌ها در رابطه با مستثنیات پیشگیری قدری بحث و جدل دارند.» (کاسسه^۳، ۲۰۰۳: ۱۲۱)

علیرغم این عدم موفقیت در ارائه تعریف مشخص از تروریسم و به تبع آن گنجاندن جرم تروریسم در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی اما به نظر می‌رسد در بیان مصادیق تروریسم دیدگاه‌های مشترکی میان دولت‌ها وجود دارد که در تطبیق آن با مصادیق جرائم داخل در صلاحیت دیوان می‌توان به نوعی صلاحیت دیوان در پیگیری قانون دیوان کیفری بین‌المللی را در پی داشته باشد. لذا در ادامه به بیان مصادیق تروریسم و تطبیق آن با جرائم داخل در صلاحیت دیوان می‌پردازیم.

2. Gill and Corner.

3. Cassese.

_____ امکان سنجی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در مقابله با تروریسم ۵

۲. انطباق جرائم داخل در صلاحیت دیوان با مصادیق تروریسم

در خصوص جرم بودن تروریسم آنتونیو کاسسه می‌گوید «به نظر من می‌توان ادعا نمود که از این گذشته دست کم تروریسم بین‌المللی، تروریسم مورد حمایت دولت یا تروریسمی، که دولت بر آن چشم می‌پوشد، جنایتی بین‌المللی است و هم اکنون به موجب حقوق بین‌الملل عرفی بعنوان نوع مجزایی از اینگونه جرائم در نظر گرفته و ممنوع است.» (کاسسه، ۱۳۸۰: ۳۸۵) اگر تروریسم را ماهیتاً یک جرم بدانیم برای ارتکاب آن باید سه عنصر مادی، عنصر معنوی و عنصر قانونی باید وجود داشته باشد. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۶: ۵۲) عنصر قانونی جرم تروریسم که در حقیقت برگرفته از اصل مسلم پذیرفته شده «قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها» می‌باشد، را می‌توان مجموعه قوانین و مقررات تبیین‌کننده جرم و مجازات تروریسم در عرصه داخلی و بین‌المللی دانست. عنصر مادی جرم تروریسم همان اعمال مجرمانه‌ای است که در مسیر اجرایی این جرم - خواه جرم واقع شده باشد و خواه در مرحله شروع به جرم باشد - محقق می‌شود و به مجموعه اعمالی اطلاق می‌شود که حقوق داخلی کشورها و حقوق بین‌الملل آن‌ها را جرم تلقی می‌نماید. باید توجه داشت که به دلیل متنوع بودن اعمال تروریستی، ارائه فهرست دقیق و کاملی از این اعمال تقریباً غیر ممکن می‌نماید.

اما نگاهی به اعمال تروریستی انجام شده توسط گروه‌های تروریستی می‌تواند به ما لیستی از مصادیق اعمال تروریستی ارائه نماید که امکان تطبیق آن با جرائم داخل در صلاحیت دیوان وجود دارد و بر این اساس اگر چه جرم تروریسم در صلاحیت دیوان (ماده ۵) قرار ندارد اما در مقایسه با سایر جرائم مندرج در این ماده قابلیت پیگرد دارد.

ظهور جریان‌های افراطی تکفیری همچون القاعده، طالبان، داعش و بوکوحرام، از تلخ‌ترین رویدادهای جهان اسلام در تاریخ معاصر است. خلأ عقلانیت و معنویت و غلبه ظاهرگرایی و سطح‌نگری در فهم و تفسیر دین، از زمینه‌های شکل‌گیری چنین گرایش‌هایی است و اغراض سیاسی هم در شکل‌گیری و تقویت این جریان‌ها بی‌تأثیر نبوده است. (زر نشان و میرجعفری، ۱۳۹۷: ۲۰۶)

در بررسی جنایات گروه‌های تروریستی چون داعش، القاعده، بوکوحرام و... نشان می‌دهد که نوع جنایات انجام گرفته با مصادیق جنایات داخل در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی مطابقت دارد. برای درک بهتر این موضوع به برخی از این اعمال اشاره می‌نماییم.

۲-۱. اقدامات مرتبط با ژنوساید

در توصیف جنایت ژنوساید ماده (۶) اساسنامه رم مقرر می‌دارد «منظور از نسل‌کشی در این اساسنامه، هر یک از اعمال مشروحه ذیل است که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —
گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از حیث همین عناوین ارتکاب می‌یابد. قتل اعضای یک گروه ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای یک گروه قرار دادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود. اقداماتی که به منظور جلوگیری از تولد و تناسل یک گروه صورت گیرد انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر» آنچه در ارتکاب این جرم بسیار مهم است سوءنیت خاصی است که باید وجود داشته باشد و آن، قصد از بین بردن همه یا بخشی از یک گروه قومی، ملی، نژادی یا مذهبی است. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۴: ۳۵)

در این باره کمیسیونر عالی حقوق بشر ملل متحد نیز در گزارشی اعلام کرده است که داعش در مظان اتهام ارتکاب نسل‌زدایی در مورد ایزدی‌ها قرار دارد و این امر توسط دادستان آرژانتینی ساب دیوا لوییس اوکامپو نیز مورد تأیید قرار گرفته است. داعش به صراحت اعلام کرده است که قصد دارد دین ایزدی که آن را کفر می‌خواند، را از بین ببرد. کشتار شیعیان در نیجریه توسط بوکوحرام نیز نشان از یک اقدام سازمان یافته در حذف شیعیان از این سرزمین دارد. نوع کشتار و سوءنیت خاص در کشتار یک گروه خاص مذهبی نشان از جنایات داخل در صلاحیت دیوان دارد.

۲-۲. اعمال مرتبط با جنایت علیه بشریت

در توصیف جنایت علیه بشریت ماده (۷) اساسنامه دیوان مقرر می‌دارد «منظور از جنایات ضد بشریت در این اساسنامه هر یک از اعمال مشروحه ذیل است، هنگامی که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد یک جمعیت غیرنظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می‌گردد. قتل؛ ریشه کن کردن؛ به بردگی گرفتن؛ اخراج یا انتقال اجباری یک جمعیت؛ حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی که برخلاف قواعد اساسی حقوق بین‌الملل انجام می‌شود؛ شکنجه؛ تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری، یا هر شکل دیگر خشونت جنسی هم‌سنگ با آن‌ها؛ تعقیب و آزار مداوم هر گروه یا مجموعه مشخصی به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی یا علل دیگر...»

در جنایت‌های علیه بشریت، برخلاف نسل‌زدایی که عنصر معنوی در آن مهم بود، عنصر مادی، اهمیت زیادی دارد؛ به این مفهوم که باید گسترده (دربدارنده قربانیان متعدد) یا سازمان یافته (براساس طراحی و نقشه و برنامه‌ریزی قبلی) بوده و با سیاست یا رویه دولت هماهنگ باشد. (میر محمد صادقی، منبع پیشین: ۳۵)

در بررسی جنایات داعش ملاحظه می‌گردد که در خصوص قتل گروه داعش بنا بر مدارک و

_____ امکان سنجی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در مقابله با تروریسم ۵

مستندات مختلف که شامل منابع خبری معتبر، تصاویر، کلیپ‌های ویدیویی از قتل افراد مختلف که رسماً خود داعش در فضای مجازی منتشر می‌کند، قتل‌های بسیاری را مرتکب شده است. (لین^۱، ۲۰۱۶: ۱۹)

همچنین داعش در عراق و سوریه اقدام به تخریب گسترده بناهای تاریخی و مذهبی که به عنوان میراث فرهنگی شناخته شده بودند زد. البته، نمی‌توان انگیزه‌های مادی گروه داعش در غارت و سرقت گنجینه‌های فرهنگی سوریه را نادیده گرفت. قاچاق میراث فرهنگی، تجارت پُرسود و منبع مهم تأمین مالی گروه‌های افراطی است. گروه داعش به طور مستقیم و غیرمستقیم، درگیر غارت و قاچاق میراث فرهنگی سوریه برای تأمین مالی حملات تروریستی خود بوده و هست. (عسکری و مسعودی کوشک، ۱۳۹۵: ۱۵۵)

بوکوحرام نیز به عنوان یک گروه تروریستی که در سال ۲۰۰۹ در نیجریه شکل گرفت، در همان سال نخست، جان بیش از ۳۰ هزار نفر را گرفت.^۲ حمله القاعده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که شامل چندین حمله انتحاری از سوی القاعده در خاک ایالات متحده آمریکا بود باعث کشته شدن ۲ هزار و ۹۷۴ تن گردید.^۳

در مورد به بردگی گرفتن، داعش در موارد متعدد، زنان و کودکان اقلیت‌های ایزدی، مسیحی و ترکمن را در عراق و سوریه ربوده و از آنان به عنوان برده و کنیز استفاده می‌کرد یا می‌فروخت. داعش در منطقه القدس در موصل، بازاری برای فروش زنان و دختران ایجاد کرد که در این بازار، روی زنان و دختران اسیر، برچسب قیمت زده شده و خریداران درباره قیمت و خرید آن‌ها چانه می‌زدند. (باهنی و جانسون^۴، ۲۰۱۴: ۱۷) گروه بوکوحرام نیز از سال ۲۰۱۴ در نیجریه بیش از دو هزار زن و دختر جوان را ربوده است. این دختران به عنوان برده یا مجبور به ازدواج شده‌اند یا در حملات انتحاری از آن‌ها استفاده می‌شود.^۵ همچنین در مورد القاعده و برنامه «ال پاییس» اسپانیا گزارش داد گروه‌های مسلح و تکفیری وابسته به سازمان تروریستی القاعده در سوریه، دختران و زنان خارجی را با هدف بردگی جنسی به خدمت می‌گیرند. این روزنامه به نقل از منابع مستند خود نوشت: «اکنون سفر تندروها و حامیان القاعده به سوریه به منظور جهاد، در شکل جنسی نیز ظاهر شده است.» (روزنامه کیهان، ۱۳۹۲: ۲۰۵۹۸) لذا باید گفت بردگی جنسی امروزه به نوعی به عنوان منبع تأمین مالی گروه‌های تروریستی محسوب می‌شود.

1. Lane.

2. See< <https://www.isna.ir>.

3. See< <https://donya-e-eqtasad.com>

4. Bahney& Johnston.

5. See<<https://www.borna.news>

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —
در خصوص شکنجه یعنی تحمیل عمدی درد یا رنج شدید جسمی یا روحی بر شخصی که تحت کنترل متهم به شکنجه است، گروه داعش مرتکب مصادیق بیشماری از این جنایت شده است. رنج روحی قبل از قتل، نسبت به افرادی که به انحاء مختلف کشته می‌شوند که شامل فیلم گرفتن، مصاحبه‌های دیکته شده و قتل افراد در ملاءعام می‌شود. همچنین شکنجه‌های جسمی در اکثر اعمال گروه داعش قابل مشاهده و یا توسط رها یافتن از داعش افشاء شده است. (زر نشان و میرجعفری، منبع پیشین: ۲۱۲) بوکوحرام نیز در رفتار خود همواره از شکنجه علیه جمعیت غیر نظامی استفاده کرده است. خبرگزاری رویترز در گزارشی تصاویر مربوط به کودکان و نوجوانانی را که در یک مدرسه در نیجریه شکنجه می‌شدند را منتشر نمود.^۱

۲-۳. اعمال مرتبط با جنایات جنگی

جنایات جنگی عبارت است از نقض فاحش قواعد و مقررات حقوق جنگ یا حقوق مخاصمات مسلحانه، شامل عهدنامه‌های ۱۹۴۹ ژنو (عهدنامه‌های چهارگانه ژنو) و پروتکل‌های الحاقی شماره‌های ۲ و ۱ مورخ ۱۹۷۷ و سایر قواعد و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل حاکم بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی. (زر نشان و میرجعفری، منبع پیشین: ۲۱۳)

جنایات جنگی بدون قید حصر عبارت‌اند از: جنایات ارتكابی علیه افراد غیرنظامی، جنایات ارتكابی علیه مجروحان و اسیران جنگی، غارت اموال عمومی یا خصوصی در زمان جنگ، حمله، بمباران و تخریب شهرها و روستاها و به طور کلی، اهداف غیرنظامی دشمن که فاقد ضرورت نظامی است. (آبرش،^۲ ۲۰۰۵: ۱۷)

ماده (۸) اساسنامه دیوان، به جنایات‌های جنگی می‌پردازد. طبق بند (۱) این ماده، دیوان در مورد جنایات‌های جنگی، صلاحیت خواهد داشت، به ویژه هنگامی که در قالب یک برنامه یا سیاست یا در قالب ارتكاب گسترده جنایات‌های یادشده انجام شده باشد و در بند (۲) این ماده، به مصادیق جنایات‌های جنگی در شش قسمت، به صورت نسبتاً کاملی پرداخته شده است که به نظر می‌رسد با توجه به اینکه وضعیت داعش در قالب درگیری مسلحانه غیربین‌المللی قابل شناسایی است.

قسمت سوم بند (۲) ماده (۸) اساسنامه دیوان بیان می‌کند: در حالت وقوع درگیری مسلحانه غیربین‌المللی، نقض فاحش ماده (۳) مشترک در چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو، به معنای هر یک از اعمال ارتكابی زیر بر ضد اشخاصی است که هیچگونه شرکت فعالی در کارهای مربوط به

1. See <<https://www.mardomsalari.ir>>

2. Abresch.

_____ امکان سنجی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در مقابله با تروریسم ۵

جنگ ندارند، از جمله افراد نیروهای مسلح که سلاح‌هایشان را زمین گذاشته‌اند و همچنین کسانی که به سبب جراحت، حبس یا هر علت دیگری از شرکت در جنگ ناتوان باشند: ... و همچنین قسمت پنجم بند (۲) ماده (۸) اساسنامه دیوان، دیگر نقض‌های فاحش قوانین و عرف‌های قابل اجرا در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی را بیان می‌کند. لازم به ذکر است که با توجه به اصلاحات انجام شده در کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان در سال ۲۰۱۰ در ماده (۸) اساسنامه دیوان، سلاح‌های شیمیایی و سمی نیز به اعمال مجرمانه در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی اضافه شده است. (ساداتی، ۱۳۹۳: ۱۵-۱۴)

در مورد کشتار، شکنجه، گروگان‌گیری و رفتار بیرحمانه موارد بسیاری از اعمال جنایت‌کارانه داعش وجود دارد از جمله قتل خبرنگاران، روزنامه‌نگاران، امدادگران، شهروندان و تجاوز به زنان و کودکان ایزدی، مسیحی، ترکمن، شیعه و...، کشتن نظامیانی که سلاح خود را بر زمین گذاشته یا وسیله‌ای برای دفاع از خود ندارند. یکی از مهمترین مصادیق وقوع این جنایت داعش را می‌توان جنایت در پایگاه هوایی اسپایکر در عراق دانست که طی آن حدود ۱۷۰۰ نفر از دانشجویان شیعه این دانشگاه به صورت غیرمسلح به قتل رسیدند.^۱ همچنین داعش ۱۵۰ دانش‌آموز دختر و پسر دبیرستانی کُرد ساکن منطقه عین‌العرب که برای شرکت در امتحان نهایی عازم حلب بودند را ربود؛ عناصر داعش ۱۹۳ تن از شهروندان کُرد را که ۱۷ تا ۷۰ سال سن داشتند، در منطقه قبا سین واقع در حومه شهر الباب در استان حلب سوریه ربوند و به جستجوی خانه به خانه این منطقه پرداختند. در ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۴ سازمان نظارت بر حقوق بشر در بریتانیا خبر از سنگسار شدن دو زن توسط داعش در مدت کمتر از ۲۴ ساعت خبر داد و اخبار زنده سوزاندن خلبان اردنی گوشه‌ای از جنایات ارتکاب یافته داعش در جریان جنگ است. (لسانی و یدائی، ۱۳۹۴: ۵۹)

در خصوص گروه بوکوحرام از سال ۲۰۰۹، بیش از ۲۰ هزار نفر در اثر خشونت‌های گسترده بوکو حرام که از سال ۲۰۰۰ در نیجریه شکل گرفته است، کشته شدند. گروه تروریستی بوکوحرام و شاخه دیگر آن موسوم به دولت اسلامی آفریقای غربی تاکنون هزاران نفر را در نیجریه به قتل رسانده و میلیون‌ها تن دیگر را آواره کرده‌اند. بوکوحرام همچنین در سال ۲۰۱۵ حملاتی را به کشورهای همسایه نیجریه مانند کامرون، چاد و نیجر انجام داد و دست کم دو هزار نفر در جریان حملات این گروه در منطقه دریاچه چاد کشته شدند.^۱

القاعده نیز هم در سال‌های اخیر درگیر جنگ یمن شده و آنچه امروز در البیضاء و دیگر

1. See: <<https://www.hrw.org/news/2016/01/31/iraq-possible-war-crimes-shia-militia>> 20.08.17.

1. See: <<https://www.irna.ir/news/84132690>>.

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —
مناطق شاهد هستیم این است که القاعده در کنار نیروهای ائتلاف می‌جنگد. در این خصوص منابع یمنی گزارش‌های متعددی از قتل عام افراد توسط نیروهای القاعده داده‌اند.^۲

۲-۴. اقدامات مرتبط با جرم تجاوز ارضی

طبق بند (۲) ماده (۵) اساسنامه دیوان که در واقع صلاحیت موضوعی دیوان را مطرح کرده است، به دلیل وجود اختلاف‌هایی میان کشورها، از جنایت تجاوز ارضی تعریفی انجام نشده و اعمال صلاحیت دیوان، موکول به تعریف آن خواهد بود، زیرا در هنگام تنظیم اساسنامه دیوان، کشورهای دارای حق و تو در شورای امنیت، تجاوز ارضی را در صلاحیت خود می‌دانستند و مخالف ورود آن به جرایم تحت صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی بودند؛ لذا تصمیم بر آن شد که آرا در اساسنامه ذکر کنند، ولی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی را در مورد آن، معلق بگذارند تا زمانی که با اصلاح اساسنامه، حدود و ثغور این جرم معلوم شود، البته به گونه‌ای که با منشور ملل متحد، تعارض و تضادی نداشته باشد. (میر محمد صادقی، منبع پیشین: ۳۴)

در کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان کیفری در شهر کامپام در سال ۲۰۱۰، جنایت تجاوز با الحاق ماده (۸) مکرر به اساسنامه دیوان، مورد تعریف قرار گرفت؛ اگرچه همچنان دیوان تا ۷ سال بعد نیز از رسیدگی به جنایت تجاوز منع شده است. (اسانی و یدائی، منبع پیشین: ۶۱)

به عبارت دیگر شق (د) بند (۱) ماده (۵) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، رسیدگی به جرم تجاوز را در صلاحیت دیوان دانسته است ولی اساسنامه، تعریف تجاوز و شرایطی را که دیوان تحت آن می‌تواند به این موضوع رسیدگی کند، طبق مواد ۱۲۱ و ۱۲۳ به تشکیل کمیسیونی برای بررسی این موضوع و انضمام این تعاریف و شرایط به اساسنامه دیوان در کنفرانس بازنگری که هفت سال پس از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه دیوان تشکیل می‌شود، منوط کرده است. لذا در مذاکرات ۱۹۹۸ رم برای ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی دولت‌ها اعلام کردند که قطعنامه ۳۳۱۴ را به عنوان تعریف تجاوز به رسمیت نمی‌شناسند. ذیل بند (۲) ماده (۵) اساسنامه، دیوان بیان می‌دارد که مقررات راجع به تجاوز باید با مقررات مربوط در منشور ملل متحد هماهنگ باشد. آنچه در این بین آشکار است تمایل اعضای شورای امنیت به داشتن انحصار اختیار تعیین و تشخیص تجاوز و عدم واگذاری آن به نهاد بین‌المللی دیگری است، درحالی که سایر کشورها سعی در ارائه تفسیری موسّع از تجاوز دارند. (زر نشان و میر جعفری، منبع پیشین: ۲۱۵)

2. See: <<https://www.tasnimnews.com/>>.

۳. صلاحیت زمانی دیوان و مقابله با تروریسم

دیوان کیفری بین‌المللی به لحاظ صلاحیت زمانی دارای محدودیت در اساسنامه است. ماده (۱۱) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مقرر می‌دارد: «دیوان تنها نسب به جرائمی صلاحیت دارد که بعد از لازم‌الاجرا شدن این اساسنامه ارتکاب یافته باشد. همچنین اگر دولتی قبل از لازم‌الاجرا شدن این اساسنامه عضو آن شود، دیوان فقط نسبت به جرائمی اعمال صلاحیت می‌کند که پس از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه در مورد آن دولت ارتکاب یافته باشد. مگر آنکه آن دولت اعلامیه‌ای به موجب بند (۳) ماده (۱۲) مبنی بر پذیرش صلاحیت دیوان داده باشد.»

بر این مبناء کشورهایی که همان ابتدا به اساسنامه پیوسته‌اند، از زمان لازم‌الاجرا شدن اساسنامه و آن‌هایی که پس از آن به اساسنامه می‌پیوندند، در نخستین روز ماه بعد از شصتمین روز تودیع سند الحاق، تحت صلاحیت دیوان قرار می‌گیرند، مگر اینکه خود دولت طبق بند (۲) از ماده (۱۱) اساسنامه را عطف بماسبق کند که البته اساسنامه در دوره پیش از ژوئیه ۲۰۰۲ قابل اجرا نیست، زیرا خود اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، از این تاریخ، لازم‌الاجرا شده است. (میر محمد صادقی، منبع پیشین: ۳۵)

به لحاظ تاریخی گروه داعش از ژوئیه ۲۰۱۴ رسماً ادعای خلافت کرد و لذا به لحاظ زمانی امکان رسیدگی دیوان به جنایات صورت گرفته توسط داعش وجود دارد. گروه بوکوحرام نیز در سال ۲۰۰۲ در نیجریه تشکیل شد و بر مبنای اساسنامه، به لحاظ زمانی دیوان امکان رسیدگی به جرائم بوکوحرام را دارد. تشکیلات القاعده در سال ۱۹۸۸ توسط اسامه بن لادن میلیاردر عربستانی جهت مبارزه با شوروی در افغانستان تأسیس شد و در سال ۲۰۰۰ ایمن الظواهری سازمان جهاد اسلامی مصر را با القاعده ادغام نمود. لذا در مورد القاعده جنایات صورت گرفته قبل از سال ۲۰۰۰ قابل رسیدگی در دیوان نبوده اما جنایات صورت گرفته بعد از این تاریخ به لحاظ زمانی به دیوان امکان رسیدگی می‌دهد.

۴. موانع صلاحیت سرزمینی و شخصی دیوان در مقابله با تروریسم

طبق بند (۲) از ماده (۱۲) اساسنامه، دیوان در صورتی می‌تواند صلاحیت خود را اعمال کند که یکی از شرط‌های زیر اتفاق بیفتد: اول - دست کم یکی از دولت‌هایی که در قلمرو آن، جنایت موردنظر روی داده است یا در صورتی که آن جنایت در کشتی یا هواپیما رخ داده، دولتی که آن کشتی یا هواپیما در آن به ثبت رسیده است، عضو اساسنامه باشد؛ و دوم - دولتی که شخص مورد تحقیق یا تعقیب، تبعه آن است، عضو اساسنامه باشند.

در مورد صلاحیت سرزمینی با توجه به اینکه از یک سو جنایات‌های در صلاحیت دیوان در قلمرو کشورهای عراق و سوریه رخ داده و در حال رخ دادن است و از سوی دیگر، کشورهای

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —

عراق و سوریه عضو اساسنامه دیوان نیستند، لذا دیوان، صلاحیت سرزمینی برای رسیدگی به جنایات‌های داعش را ندارد. (لسانی و یدائی، منبع پیشین: ۶۴)

در مورد گروه بوکوحرام جنایات صورت گرفته بیشتر در خاک نیجریه می‌باشد که با توجه به عضویت نیجریه در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، به آن صلاحیت قضایی سرزمینی برای رسیدگی به جنایات صورت گرفته را می‌دهد. در مورد گروه القاعده نیز، جنایات صورت در افغانستان به دیوان صلاحیت سرزمینی برای پیگرد قضایی می‌دهد اما در خصوص جنایات صورت گرفته در یمن با توجه به نبود صلاحیت سرزمینی فعلا امکان پیگرد توسط دیوان نیست. در خصوص صلاحیت شخصی نیز در ماده (۲۶) اساسنامه آمده است که «دیوان نسبت به جرائم اشخاصی که در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال داشته‌اند صلاحیت نخواهد داشت.»

خانم فاتو بنسودا دادستان دیوان در سال ۲۰۱۵ از مانع برای اعمال صلاحیت دیوان سخن گفت. وی با اشاره به آنکه خط مشی دادستانی دیوان، تمرکز بر سران و رهبرانی است که دارای بیشترین مسئولیت هستند، اعلام کرد که بنا بر اطلاعات دریافت شده، سران گروه داعش، عراقی هستند و بنابراین، تابعیت دولت‌های عضو دیوان را ندارند در این راستا توصیه خانم دادستان به دولت عراق و سوریه، پیوستن به دیوان یا تودیع اعلامیه پذیرش صلاحیت دیوان یا ارجاع یا ارجاع وضعیت داعش از سوی شورای امنیت به عنوان راه‌حل جایگزین برای فعال‌سازی صلاحیت دیوان است. (زرنشان و میرجعفری، منبع پیشین: ۲۱۸) در خصوص بوکوحرام نیز همین شرایط حاکم است و البته در خصوص افغانستان شاهد تحقیقاتی در خصوص جنایاتی را که ادعا می‌شود از ۱ مه ۲۰۰۳ در خاک افغانستان انجام شده است، هستیم.

۵. صلاحیت تکمیلی دیوان در رسیدگی به جرم

برخلاف دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جنایات‌های جنگی یوگسلاوی و رواندا که از صلاحیت همزمان با دادگاه‌های ملی برخوردار بودند، در مورد دیوان بین‌المللی کیفری، طبق مقدمه اساسنامه و مواد ۱ و ۱۷ اساسنامه دیوان، اصل صلاحیت تکمیلی مورد پذیرش قرار گرفته است؛ به این معنی که مسئولیت اصلی در تعقیب و رسیدگی به جنایات‌های موضوع صلاحیت دیوان با دادگاه‌های ملی است؛ تفاوتی هم نمی‌کند که دولت رسیدگی‌کننده عضو دیوان باشد یا نباشد و در صورت عدم تمایل یا توانایی دادگاه‌های ملی یا نبود دستگاه قضایی مستقل و کارآمد، دیوان بین‌المللی کیفری، اعمال صلاحیت خواهد کرد. به این ترتیب این دیوان، مکمل محاکم ملی است، اما جایگزین یا جانشین آن‌ها نیست. (لسانی و یدائی، منبع پیشین: ۶۲)

در ماده (۱) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی آمده است «...دیوان دارای صلاحیت تکمیلی نسبت به صلاحیت کیفری محاکم ملی خواهد بود...» مفهوم این ماده آن است که محکمه

_____ امکان سنجی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در مقابله با تروریسم ۵

داخلی صلاحیت اصلی و اولیه رسیدگی را خواهد داشت و اگر محکمه داخلی نخواهد یا نتواند رسیدگی کند صلاحیت به دیوان کیفری بین‌المللی منتقل می‌شود. لذا اگر محکمه دیوان به رسیدگی نماید، بدوا صلاحیت برای رسیدگی به دیوان منتقل نمی‌شود.

به عبارت دیگر صلاحیت قضایی دیوان، مکمل صلاحیت قضایی کیفری ملی است. بنابراین، در جایی که اقدام تروریستی به وسیله دولتی شروع به تحقیق یا محاکمه می‌شود که بر آن صلاحیت قضایی دارد، دیوان رسیدگی نخواهد کرد. علاوه بر این، در جایی که دادستان دلیلی منطقی برای شروع تحقیقات دارد، باید آن را به تمامی دولت‌های عضو و دول تهابی که به طور عادی در مورد جرایم ذی‌ربط رسیدگی می‌کنند، ابلاغ کند.

دولت نیز می‌تواند ظرف یک ماه پس از این ابلاغ، به دادستان اطلاع دهد که اتباع خود یا اشخاص دیگر را در حیطه صلاحیت قضایی خود با توجه به جرم مورد نظر، مورد تجسس و بازجویی قرار داده و از دادستان در خواست کند این تحقیق را به بعد موکول نماید. هر چند اگر با این تأخیر موافقت شود، برگشت‌پذیر است، اما دولتی که حامی تروریسم است یا آن را نادیده می‌گیرد، می‌تواند از آن برای به تأخیر انداختن محاکمه مرتکبان ذی‌ربط، براساس مقررات ماده (۱۹) اساسنامه، استفاده کند. (نمایان، ۱۳۹۰: ۷۶)

حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا در سوریه و عراق فعلی، نظام قضایی در دسترس وجود دارد یا خیر؟ در بند (۳) از ماده (۱۷) اساسنامه به اظهارنظر دیوان درباره عدم توانایی دولت در به دست آوردن دلایل و شواهد و انجام دادرسی با توجه به فروپاشی کلی یا جزئی و یا عدم دسترسی به نظام قضایی اشاره شده است. فروپاشی کلی به حالتی اطلاق می‌شود که دستگاه قضایی یک کشور برای زمانی طولانی و در مقیاس گسترده نتواند به دستگیری مجرمان و مجازات آن‌ها اقدام کند و فروپاشی جزئی معطوف به حالتی است که نظام قضایی کارآمد و قادر قضایی مناسب برای جمع‌آوری شواهد وجود نداشته باشد، لذا اگر دستگاه قضایی در سوریه و عراق دچار چنین وضعیتی باشد، به رغم اینکه محاکمه‌هایی در دادگاه‌های ملی انجام شده باشد، وضعیت از سوی دیوان، در صورت ارجاع، قابل پذیرش شناخته می‌شود. (آقایی جنت مکان، قریشی: ۱۰۰۰)

در مورد نیجریه همانطور که بیان گردید دولت نیجریه معاهده تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی معروف به «اساسنامه رم» را در سال ۲۰۰۱ میلادی تصویب کرده و به عضویت دیوان درآمده است. بنابراین دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به تمامی جرایم چهارگانه داخل در صلاحیت خویش یعنی جرایم علیه بشریت، نسل‌کشی، جرایم جنگی و جرم تجاوز که در قلمرو سرزمینی نیجریه واقع شوند دارای صلاحیت است. دیوان کیفری بین‌المللی تاکنون صلاحیت خود را نسبت به دو طبقه از جرایم بین‌المللی ارتکاب یافته توسط «بوکوحرام» احراز کرده است؛

❖ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —
اول «جنایت علیه بشریت» که از رهگذر ارتکاب قتل و اقدام به ایداء و اذیت شهروندان نیجریه که در قالب تهاجمات گسترده یا سازمان یافته که بیانگر و دلالت‌گر وجود یک خط مشی سازمانی بوده است ارتکاب یافته است و دوم «جرائم جنگی» موضوع ماده هشت اساسنامه رم. دادستانی دیوان با احراز معیارهای قانونی لازم، در سال ۲۰۱۳ میلادی اعلام کرد که منازعه میان گروه «بوکوحرام» و دولت نیجریه مصداق «منازعات مسلحانه غیربین‌المللی» است که تحت قانون و قواعد مرتبط با جنگ در می‌آید.

با وجود احراز صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جرائم ارتکاب یافته از سوی بوکوحرام در نیجریه، مداخله دیوان نیازمند تامین شرط دیگری است و آن قابلیت پذیرش است. «قابلیت پذیرش» به آن معناست که با توجه به تکمیلی بودن صلاحیت دیوان و مقدم بودن دولت‌های بومی در تعقیب جرائم بین‌المللی، اقدام دیوان با وجود اقدام اصیل و جدی دولت‌های محلی مقدور نخواهد بود و معلق خواهد ماند.

امری که با توجه به اقدامات قضایی و حقوقی انجام شده از سوی دولت نیجریه در مورد اعمال صلاحیت دیوان صدق می‌کند. اما این تعلیق به معنای انفعال دیوان نخواهد بود بلکه در این مرحله دیوان اقدامات حقوقی و قضایی دولت نیجریه را مورد رصد دقیق قرار داده تا در صورت احراز ناتوانی یا عدم تمایل دولت نیجریه به تحت تعقیب قراردادن جنایت «بوکوحرام» خود مداخله کند.^۱

همچنین در مورد القاعده نیز شاهد اقدام جدی از سوی دولت افغانستان در پیگرد قضایی اعضاء و سران این گروه نیستیم. با این وصف می‌توان گفت که دستگاه قضایی افغانستان نیز توانایی پیگرد قضایی اعضاء القاعده را ندارد. به خصوص تحولات اخیر افغانستان که احتمال این روند را به تاخیر می‌اندازد.

نتیجه‌گیری

هر پدیده جنایی با ایجاد ناامنی در جامعه، ترس را بر افراد مستولی کرده و امنیت فردی و اجتماعی را به خطر می‌اندازد. تروریسم از جمله جرائم بین‌المللی است که به عنوان پدیده‌ای نه چندان نوظهور توانسته با بهره‌گیری از عامل ترس و حمله علیه جمعیت غیر نظامی نظم و امنیت بین‌المللی را بر هم بریزد. این امر ضرورت مقابله با آن را نشان می‌دهد. از جمله این اقدامات تدوین کنوانسیون رم توسط دولت‌ها به منظور مقابله با جرائم بین‌المللی و موارد فاحش نقض معاهدات مرتبط با حقوق بشر دوستانه می‌باشد. ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی در این راستا

1. See <<https://www.entekhab.ir/fa/news/162190>>.

_____ امکان سنجی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در مقابله با تروریسم ۵

نقطه امید برای تضمین اجرای حقوق بشر دوستانه و مقابله با بی‌کیفرمانی اما در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به جرائم بین‌المللی از جمله تروریسم بین‌المللی اتفاق نظری وجود نداشت. اما برای مقابله کیفری توسط دیوان نیاز بود تا این جرم در صلاحیت دیوان تعریف شود که به خاطر اینکه در صحنه بین‌المللی یک تعریف مورد قبول همگانی برای تروریسم پیدا نشده و با اینکه مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۷ کنوانسیون سرکوب بمب‌گذاری تروریستی را پذیرفته بود این تلاش با ناکامی مواجه شد. وانگهی این نگرانی وجود داشت که قید چنین جرمی اساسنامه دیوان را درگیر اختلافات سیاسی کند که بدون شک به اعتبار دیوان لطمه می‌زد. با این وجود نگاهی به اعمال تروریستی انجام شده توسط گروه‌های تروریستی می‌تواند به ما لیستی از مصادیق اعمال تروریستی ارائه نماید که امکان تطبیق آن با جرائم داخل در صلاحیت دیوان وجود دارد و بر این اساس اگرچه جرم تروریسم در صلاحیت دیوان (ماده ۵) قرار ندارد اما در مقایسه با سایر جرائم مندرج در این ماده قابلیت پیگرد دارد. در بررسی جنایات گروه‌های تروریستی چون داعش، القاعده، بوکوحرام به عنوان گروه‌های تروریستی شناخته شده و فعال ملاحظه می‌گردد که نوع جنایات انجام گرفته با مصادیق جنایات داخل در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی مطابقت دارد. از نظر صلاحیت زمانی، با توجه به زمان تعریف شده در اساسنامه و تاریخ ایجاد گروه تروریستی امکان پیگرد داعش و بوکوحرام وجود دارد و در مورد القاعده اقدامات ماقبل سال ۲۰۰۰ قابل پیگرد نیست. در مورد موانع صلاحیت سرزمینی با توجه به عدم عضویت سوریه و عراق در اساسنامه دیوان امکان اعمال صلاحیت قضایی دیوان در این دو سرزمین منتفی بوده ولی در مورد افغانستان و نیجریه با توجه به عضویت آن‌ها اختیار پیگرد قضایی توسط دیوان وجود دارد. در مورد صلاحیت شخصی نیز افراد زیر ۱۸ سال مورد تعقیب دیوان قرار نمی‌گیرند. مورد دیگر در خصوص صلاحیت تکمیلی است که امکان رسیدگی مقدماتی دیوان را نمی‌دهد. البته با توجه به عدم توانایی دستگاه قضای دولت‌های افغانستان و نیجریه، تحقیقات مقدماتی در این خصوص در دستور کار دیوان قرار دارد.

منابع

- سلطانی، فخرالدین (۱۴۰۰). **سیاست‌های نوین بین‌المللی در پیشگیری از اقدامات تروریستی**، فصلنامه علمی مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۶(۵۸).
- حاجیلویی، معصومه (۱۳۹۵). **تروریسم و امکان رسیدگی به آن در دیوان کیفری بین‌المللی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفادشت.
- شکولی، خداداد و مرادی، مریم (۱۳۹۵). **صلاحیت‌های دیوان کیفری بین‌المللی**، کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، شیراز.
- دیهیم، علیرضا (۱۳۸۴). **درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی در پرتو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی**، نشر وزارت امور خارجه.
- گرگی، علی اکبر (۱۳۸۸). **در تکاپوی حقوق اساسی**، تهران: انتشارات جنگل.
- زر نشان، شهرام، میرجعفری، سید حسین (۱۳۹۷). **قابلیت تعقیب سران گروه تروریستی داعش در دیوان کیفری بین‌المللی**، مجله حقوقی بین‌المللی، ۳۵(۵۹).
- عسکری، پوریا، مسعودی کوشک، حمید (۱۳۹۵). **تخریب میراث فرهنگی سوریه توسط داعش و راهکارهای مقابله با آن در حقوق بین‌الملل**، مجله حقوقی بین‌المللی، ۵۸.
- ساداتی، سید محمد مهدی (۱۳۹۳). **نخستین کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی**، فصلنامه مطالعات بین‌الملل پلیس، ۵(۱۹).
- لسانی، حسام الدین، یدائی محسن (۱۳۹۴). **امکان رسیدگی به جنایات داعش در دیوان کیفری بین‌المللی از دیدگاه حقوق بین‌الملل**، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۹(۴).
- نمامیان، پیمان (۱۳۹۰). **صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به تروریسم**، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۴(۱).
- آقائی جنت مکان، حسین، قریشی، سید محمدجعفر (۱۳۹۲). **ساز و کارهای حقوقی کیفری بین‌الملل برای محاکمه تروریست‌های تکفیری در سوریه**، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۷(۴).
- **Terrorism and International Law**, Published December 1, 2014 by Routledge, (1997) Maurice Rosalyn, Flory, Higgins.
- Gill, Paul, Corner, Emily (2017). **There and back again: The study of mental disorder and terrorist involvement**, American

Psychologist.

- Cassese, A.(2003). **International Criminal Law**, OUP.
- Alexander, Y.(2001). **Super Terrorism :Biological and ----- Nuclear**, New York: Transnational publisher.
- Lane, Lottie,(2016). “**Mitigating Humanitarian Crises During Non-International Armed Conflicts — The Role of Human Rights and Ceasefire Agreements**”, Journal of International Humanitarian Action.
- Bahney, Benjamin and Johnston, Patrick , (2014). “**Hitting ISIS Where It Hurts: Disrupting ISIS’s Cash Flow in Iraq**”, RAND Corporation, [online], Available at:
<<http://www.rand.org/blog/2014/08/hitting-isis-where-it-hurts-disrupt-isis-cash-flow.html>> 20.08.17.
- Abresch, W., (2005). “**A Human Rights Law of Internal Armed Conflict: The European Court of Human Rights in Chechnya**”, Center for Human Rights and Global Justice Working Paper, Extrajudicial Executions Series, 4